

ارزیابی هویت مکانی محله‌های شهری، مطالعه موردی: منطقه ۱۲ شهر تهران، محله سنگلج

بتول مجیدی^۱، *سامان حیدری^۲

۱. استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

۲. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران

دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۲۸ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۲۹

Assessment of Urban Spatial Identification, Case Study: District 12 of Tehran, Sanglaj neighborhood

Batul Majidi¹, *Saman Heydari²

1. Assistant Prof of Geography & Urban Planning, Faculty of Geography, Shahid Beheshti University, Tehran

2. Ph.D. Student of Geography & Urban Planning, Kharazmi University, Tehran

Received: 16/04/2016

Accepted: 18/06/2016

Abstract

The neighborhoods of Tehran Metropolis are one of the most fundamental social ° physical elements and are considered as important communication links between the citizens. One of the key issues in city regions is spatial identity and ignoring this matter causes the citizens do not feel like belonging to their place of residence. Consequently, the unsustainable neighborhood is formed. The present study aims to assess and analyze spatial identity of Sanglaj as one of the old regions of Tehran in the 12th zone. The research method is descriptive-analytic and required data were collected through a survey using a questionnaire. The research population consisted of all citizens over 18 years old in Sanglaj, among whom 115 were selected as participants through non-probabilistic sampling method. The collected data were analyzed using SPSS software. The results showed that there is a significant positive correlation between place-belonging, sociability, comfort, and access to service variables. In addition, it was found that there is a meaningful relationship between age and local identity as well as a significant difference between local identity and period of residence; that is those whose period of residence was longer, have evaluated the spatial identity of region better. Generally, it was found that, according to the participants, the residents spatial identification was not desirable in this study.

Keywords

Spatial Identity, Urban neighborhoods, District 12 of Tehran, Sanglaj neighborhood

چکیده

محله‌های کلان‌شهر تهران از اساسی‌ترین عناصر اجتماعی ° کالبدی بوده و به‌عنوان حلقه ارتباطی میان شهروندان محسوب می‌شوند. یکی از مسئله‌های مهم محله‌های شهری هویت مکانی آن‌ها می‌باشد. بی‌توجهی به این امر باعث می‌شود، شهروندان یک محله احساس تعلق به محل زندگی خود نداشته باشند و در نتیجه محله‌ای ناپایدار شکل می‌گیرد. هدف از مطالعه حاضر ارزیابی و تحلیل هویت مکانی محله سنگلج واقع در منطقه ۱۲ تهران، به عنوان یکی از محله‌های قدیمی شهر تهران می‌باشد. تحقیق حاضر از نظر روش، توصیفی - تحلیلی است که به روش پیمایش و با استفاده از پرسشنامه انجام گرفت. جامعه آماری تحقیق شامل تمام ساکنان بالای ۱۸ سال محله سنگلج می‌باشد که حجم نمونه آن با استفاده از فرمول کوکران، ۱۱۵ نفر تعیین و جهت انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری غیر احتمالی استفاده گردید. نتایج به دست آمده از تحقیق نشان می‌دهد که بین شاخص‌های تعلق مکانی، اجتماع‌پذیری، آسایش و دسترسی به خدمات، همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین بین سن و هویت مکانی نیز رابطه معنادار به دست آمد. بعلاوه بین هویت مکانی و مدت سکونت تفاوت معنادار مشاهده شد و شهروندانی که مدت سکونت بیشتری داشتند، هویت مکانی محله سنگلج را مطلوب‌تر ارزیابی کرده‌اند. به طور کلی از نظر ساکنین محله مورد مطالعه، هویت مکانی ساکنان محله در سطح مطلوب قرار ندارد.

واژه‌های کلیدی

هویت مکانی، محله‌های شهری، منطقه ۱۲ تهران، محله سنگلج

مقدمه

محیط زندگی انسان تأثیر به‌سزایی در رفتار و هویت انسان به سمت ارزش‌های پنهان در خود دارد. از آنجا که هویت، مجموعه‌ای از صفات و ویژگی‌هایی است که باعث تشخیص یک فرد یا اجتماعی از افراد و جوامع دیگر می‌شود؛ شهر نیز به تبعیت از این معیارها، شخصیت یافته و مستقل می‌گردد و در نهایت باعث پایداری آن می‌شود. در این میان شهر را می‌توان محیطی برای تجلی هویت، ارزش‌های برگرفته از اعتقادات، جهان‌بینی و فرهنگ ساکنین و پدیدآورندگان خود دانست. این مفهوم در طول دوران و در سرزمین‌های مختلف با محیط‌های طبیعی و انسانی متفاوت و تحت تأثیر تحولات تاریخی و ایدئولوژیکی، تغییرات بسیاری را به خود دیده است. به ویژه تحت تأثیر تحولات مدرنیته، تغییر فزاینده یافته، به گونه‌ای که بسیاری از عناصر و اجزای شهر کهن در آن رنگ باخته‌اند. بنابراین بحران هویت یکی از مسائلی است که در شهرهای امروزی مورد توجه قرار گرفته است. این بحران هویت ناشی از نبود حس مکان و احساس تعلق مکانی می‌باشد. مکانی که انسان را در ارتباط با لایه‌های دیگر وجود خویش قرار می‌دهد و این لایه‌ها به شناخت انسان از محیط پیرامون و خویشتن خود کمک می‌کنند.

محله شهری که خود یک سیستم مستقل کالبدی در قالب شهر ایرانی است، در طول زمان حتی بهتر از هویت شهری توانسته در انسجام‌بخشی شهر ایرانی نقش ایفا نماید. با شروع مدرنیته و تحولات بنیادین بافت کالبدی، محله مفهوم سابق خود را نزد مردم از دست داد و جای خود را به برداشت‌های جدید مانند بلوک سپرد و هویت محله‌ای کم‌رنگ شد. این کم‌رنگی باعث گردید که هویت مکانی شهروندان تضعیف گشته و شهروندان نسبت به محل زندگی خود حس مکانی نداشته باشند. بنابراین با بررسی عامل هویت‌ساز در محله‌های شهری که توجه به آن در جدیدترین نظریه‌های شهرسازی نیز مورد تأکید است، میزان هویت مکانی مشخص می‌گردد. هر محله با ارائه خدمات روزمره مورد نیاز خود و با ایجاد نمادهای محله‌ای و ویژگی‌های خاص موجب می‌شود ساکنان آن نوعی احساس تعلق و هویت مکانی داشته باشند تا جایی که هر شهروند با نام محله‌ای که در آن زندگی می‌کند، شناخته می‌شود. با توجه به این که بر اساس نظریه مکان-هویت، فرد در ارتباط با محیط خود هویت پیدا می‌کند، پژوهش حاضر به دنبال ارزیابی میزان هویت مکانی در محله سنگلج واقع در منطقه ۱۲ به عنوان یکی از محله‌های قدیمی شهر تهران بوده و تعیین همبستگی بین شاخص‌های اجتماع پذیری، دسترسی به خدمات، حس تعلق مکانی و آسایش و نیز تعیین رابطه بین مدت سکونت و ارزیابی هویت مکانی محله، اهداف اختصاصی تحقیق، می‌باشد.

مبانی نظری

هویت مجموعه خصوصیتی است که فرد یا شیء را از نظر تعلق به گروه یا نوع تبیین می‌کند (عبادیان، ۱۳۸۳: ۷۳). در جغرافیا، هویت هر مکان تابعی از بن‌مایه‌های زیست‌کره، کارکردها و نمادهای آن است (شکوئی، ۱۳۸۸: ۲۷۵).

هویت به معنای تمایز از غیر و تشابه با خودی است. هویت پویا در عین حفظ خود، از زمان تأثیر می‌پذیرد و همواره با حس وحدت وجودی در عین آگاهی از حضور اجزاء متکثر، همراه است. حوزه معنایی «تمایز/ تشابه» تعریف هویت را ارائه می‌دهد و دو حوزه دیگر یعنی حوزه «تداوم/ تحول» و «وحدت/ کثرت» ابعاد و شرایط آن را نشان می‌دهد (دانشپور، ۱۳۷۹: ۲۸).

بنابر آنچه گفته شد؛ هویت مجموعه‌ای از خصیصه‌های فرهنگی، روانی، فلسفی و زیستی همسانی است که بر یگانگی یا همانندی اعضای آن دلالت می‌کند و آن را در ظرف زمانی و مکانی معین، به طور مشخص، قابل پذیرش و آگاهانه، از دیگر گروه‌ها متمایز می‌کند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۵).

نظریه‌های هویت در تعبیر سنتی به ریشه‌های مشترکی می‌رسند و به طور عمده بر پایه نظریه‌های ویلیام جیمز^۱ (۱۸۹۰) و هربرت مید^۲ (۱۹۳۴) بنا شده‌اند. این نظریه‌ها جهت توضیح ماهیت «خود» و مکانیسم شکل‌گیری آن از نقش ضمیر اول شخص «من» در زبان کمک گرفته‌اند. در قواعد زبانی «من» به دو شکل متفاوت فاعلی I و مفعولی Me ظاهر می‌شود که می‌توان آن را «من» در جایگاه سوژه و «من» در جایگاه اژه دانست. به عقیده جیمز و مید، «من» در جایگاه اژه، همان تصویری است که فرد از خود دارد؛ هنگامی که فرد در مورد خود فکر می‌کند «من» را اژه خود قرار می‌دهد، آنچه در قالب ضمیر «من» به خود نسبت می‌دهد، محتوای «خود» او را می‌سازد. در تعریف جیمز، «خود» انسان مجموعه همه آن چیزهایی است که فرد می‌تواند متعلق به خود بداند؛ بدنش، همسرش، فرزندانش، گذشتگانش، شغلش و غیره. فرد به تمام این‌ها حس مشابه دارد. اگر چه نه به یک اندازه، اما اگر اتفاقی برای آن‌ها رخ بدهد، مانند این است که برای خود شخص رخ داده است (Barresi, 2002: 3).

اصطلاح مکان در جغرافیا به شکل رایج از دهه ۱۹۷۰، به دنبال ارزیابی‌های انتقادی از مکان، به ویژه در اندیشه‌های فلسفی اواخر دهه ۶۰ مورد توجه قرار گرفت (Williams, 2003: 5).

مکان مساحتی از سطح زمین می‌باشد که دارای مقر و وسعت

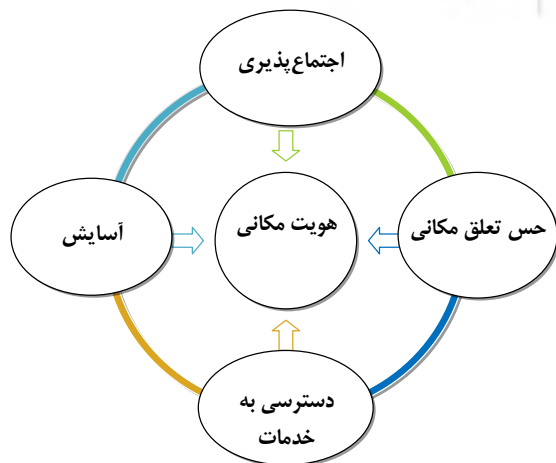
1. William James
2. Herbert Mead

سازد. ماهیت مکان نه تنها از محل استقرار، کارکردهای ضعیف، اشغال آن به وسیله جامعه و تجربیات مادی انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد، بلکه همه این عوامل ضرورتاً چهره و ماهیت مکان را شکل می‌دهند (شکوئی، ۱۳۷۹: ۲۸۴). همچنین هویت مکان به عنوان یکی از راه‌های ارتباط بین انسان و مکان، بیش‌تر متوجه ارضای ذهنی و عاطفی بشر است تا نیازهایی که به طور مستقیم با جسم او در ارتباط باشند. هویت مکان از ارزش‌های فردی و جمعی نشأت می‌گیرد و با گذر زمان، عمق، گسترش و تغییر می‌یابد (Relph, 1993: 15).

به باور لاکرمن، جغرافیدانان نه تنها علاقه‌مند به درک این نکته هستند که چرا مکان، رخدادی واقعی در آگاهی انسان است، بلکه به عقاید مردم به این مکان‌ها نیز علاقه‌مند هستند. این عقاید و علایق انسان است که به یک مکان هویت می‌بخشد (Lukermann, 1966: 169).

طرح هویت مکان در جغرافیا، محصول ورود اندیشه‌های روانشناسی در جستارهای جغرافیای انسانی است. به باور بسیاری از جغرافی‌دانان، در شکل‌گیری نقشه‌های ادراکی ذهنی و واکنش انسان به محیط عینی، تصور انسان و اوضاع روان‌شناسانه اوضاع اجتماعی محیط نیز مؤثر است. به همین دلیل، دانش جغرافیا به میزان زیادی با مفاهیم ذهنی افراد سر و کار دارد (پوراحمد، ۱۳۸۹: ۱۶۵). با این وجود عوامل عینی با بهره‌گیری از عوامل ذهنی رخ می‌نمایند و حصار و مرز خود را در یک مکان مشخص می‌کنند که این خود موجب شکل‌گیری هویت مکانی در محدوده مورد نظر می‌شود. این محدوده می‌تواند یک محله شهری باشد.

محله یکی از ارکان اصلی کالبد شهری است که به کمک آن می‌توان تعادل شهری را در مکان‌ها حفظ کرد و به کمک عناصر هویت‌بخش واقع در آن، مکانی با هویت، غرورآفرین و پایدار برای ساکنان شکل داد. شکل ۱، مدل تحلیلی روابط متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد.



شکل ۱. مدل تحلیلی تحقیق

مشخصی است. معیارهای دلالت‌کننده بر وجود هر مکان، معیارهای ذهنی‌اند و افراد به صورت‌های گوناگون آن‌ها را به کار می‌برند. بنابراین ممکن است که مکان‌ها از نظر وسعت با یکدیگر تفاوت زیادی داشته باشند. برای مثال خلیج فارس و جزیره هرمز و قلعه هرمز هر سه مکان محسوب می‌شوند (پوراحمد، ۱۳۸۹: ۷۸).

در جغرافیا، مفهوم مکان، کانون شناخت انسان‌گرایی است (شکوئی، ۱۳۸۸: ۲۸۸). همچنین مکان، بخشی از فضای جغرافیایی و در واقع بستر شکل‌گیری روابط اجتماعی است که به عنوان دومین جریان شاخص کلیدی جغرافیا، فضا را مملو از تفسیرها، ارزش‌ها و هیجان‌ها می‌کند (پوراحمد، ۱۳۸۹: ۷۷).

از نظر هایدگر^۳، مکان جنبه پیچیده و عمیق تجربه انسان از دنیا است. همچنین هاگ پربیس و ای. رلف^۴، شناخت مکان‌ها را حلقه‌ای ضروری در زنجیره معرفت می‌دانند (افروغ، ۱۳۹۴: ۹۱).

بنابراین مکان موضعی از سطح زمین است که بر اثر تغییرات برخاسته از اجتماع انسان‌ها، خصیصه‌ای فرهنگی یافته است.

خصیصه‌های فرهنگی شامل بخش گسترده‌ای از نمودها و پدیده‌های مکانی است که در پیوند با فرهنگ، تحول و تکامل یافته‌اند. در ساخت ویژگی‌های مکانی، عواملی مانند آب و هوا، فرهنگ، اقتصاد و سیاست حاکم بر جامعه نقش دارند و در نهایت این عوامل فراهم‌کننده زمینه برای شکل‌گیری هویت مکانی می‌شوند (رضوانی و احمدی، ۱۳۸۸: ۵۰).

شولتز مطالعه مکان را مطالعه رویدادها و حوادثی که در آن اتفاق می‌افتد، می‌داند و معتقد است که مجموعه‌ای از رخدادها، شکل‌ها، رنگ‌ها و بافت‌ها شخصیت یک مکان یا هویت آن را شکل می‌دهند. او ارتباطی بین معماری، مکان و هویت فرهنگی برقرار می‌کند و معتقد است تجربه مکان تجربه معنای مکان است (Norberg, 1980: 54). معنای هویت مکانی در ادبیات روانشناسی تحت مفاهیم مختلفی مطرح شده است که می‌توان نزدیک‌ترین آن‌ها را حس مکان^۵، دل‌بستگی به مکان^۶ و وابستگی به مکان^۷ برشمرد (Lewika, 2008: 18). بر اساس این نظریه فرد در کنار محیط خارج از خود هویت می‌یابد که این هویت جدای از وابستگی شخص به یک محیط خاص است (Proshansky, 1983: 64).

هر مکان خصیصه‌هایی دارد که با آن از سایر مکان‌ها متمایز و هویت‌پذیر می‌گردد. داشتن صفت مشخص با عقاید و باورهای اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و فرهنگی می‌تواند تمایز را برجسته

3. Martin Heidegger
4. Hug Prince and E Relph
5. Sense of Place
6. Place Attachment
7. Place Dependence

پیشینه تجربی

پرتی^۸ و همکاران (۲۰۰۳)، در تحقیقی با عنوان «حس مکان در میان نوجوانان و بزرگسالان روستا شهرهای استرالیا: ویژگی‌های تبعیض‌آمیز در دلبستگی مکانی، حس اجتماعی و وابستگی مکانی در رابطه با هویت مکانی»، به این نتیجه رسیده‌اند که هویت مکانی در میان بزرگسالان بیش از نوجوانان است و نوجوانان بیش‌تر تمایل به تغییر مکان برای کسب تجربه دارند (Pretty: 2003).

سلطانی و همکاران (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان «برنامه‌ریزی شهری در جهت ارتقاء هویت ایرانی - اسلامی زنان با تأکید بر نقش محله‌های شهری»، به این نتیجه رسیدند که جهت بهبود وضع موجود محله‌ها، توجه به الگوی بومی این سرزمین در ساختار شهرها اهمیت زیاد دارد. همچنین، ایجاد کانون‌های مشارکتی زنان برای فعال‌سازی محیط فیزیکی شهر، ایجاد و تقویت نظام محله محور در ارائه خدمات شهری و احیاء فضاهای عمومی در محله‌ها، بسیار مؤثر خواهند بود (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۰).

زیاری و همکاران (۱۳۹۱)، در تحقیقی با عنوان «ارزیابی هویت شهری در شهرهای جدید ایران بر اساس اصول هویت‌بخش مکتب اصفهان»، ۱۰ شهر جدید ایران (بعد از انقلاب) را به عنوان نمونه انتخاب کردند و با استفاده از مدل گولر به این نتیجه رسیدند که میزان هویت شهری، در شهر جدید بهارستان بیش‌ترین امتیاز را دارد و شهرهای اندیشه و پردیس در رتبه‌های بعدی قرار دارند (زیاری و همکاران، ۱۳۹۱).

نظربلند و حیدری (۱۳۹۲)، در تحقیقی عنوان «عوامل تأثیرگذار در هویت کالبدی بافت تاریخی شهر شیراز»، دریافتند، با وجود اینکه همواره شیراز موطن شاعران و عارفان بزرگ ایران به واسطه داشتن میراث فرهنگی ارزشمند همواره مورد توجه هنردوستان و اندیشمندان جهان و محل تأمل خاص محققان و مورخان بوده همچنین بناهای تاریخی این شهر تا حدودی بررسی و به جهانیان معرفی شده است و در میراث فرهنگی شیراز جایگاه خود را در بین آثار گرانقدر معماری این سرزمین حفظ کرده‌اند؛ اما ساختار کالبدی شهر به عنوان یکی از پیچیده‌ترین دستاوردهای تمدن گذشته ایران کم‌تر شناخته شده است. این امر در مورد اغلب شهرهای ایران مصداق دارد و هنوز تاریخ شهرسازی جامعی در مورد شهرهای ایران وجود ندارد (نظربلند ۱۳۹۲).

حیاتی و همکار (۱۳۹۲)، در تحقیق خود با عنوان «بررسی تأثیر هویت کالبدی بر انسجام اجتماعی محله اوین شهر تهران»، دریافتند که هویت کالبدی در محله اوین کاهش یافته است. همچنین گسستگی و سردی روابط اجتماعی و انسجام محله‌ای، در محیط محله وجود دارد و بین دو متغیر هویت کالبدی و انسجام اجتماعی

رابطه معنادار به دست آمد (حیاتی، ۱۳۹۲).

تفاوت تحقیق حاضر با مطالعه‌های پیشین مربوط به روش تحقیق می‌باشد. در تحقیق حاضر سعی شده است که هویت مکانی محله سنگلج با توجه به چهار شاخص اجتماع‌پذیری، آسایش، دسترسی به خدمات و حس تعلق مکانی از نظر ساکنان ارزیابی شود که در هیچ کدام از تحقیق‌های قبلی از چنین روشی استفاده نگردیده است.

روش تحقیق

روش تحقیق در مطالعه حاضر، توصیفی- تحلیلی بوده و جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه انجام گرفته است.

جامعه آماری پژوهش، تمام ساکنان بالای ۱۸ سال محله سنگلج می‌باشد که حجم نمونه آن با استفاده از فرمول کوکران، ۱۱۵ نفر تعیین و برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی استفاده گردید. اعتبار ابزار با استفاده از نظر صاحب‌نظران (اعتبار صوری) مورد تأیید قرار گرفت و جهت تعیین پایایی آن از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید و مقدار آلفا همانگونه که در جدول ۱، ملاحظه می‌شود، در تمام شاخص‌ها بالاتر از ۰/۷۵ به دست آمد.

جدول ۱. مقادیر آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

شاخص	تعداد گویه‌ها	مقدار آلفا
احساس تعلق به محله زندگی	۵	۰/۹۵
آسایش و تصویر ذهنی	۵	۰/۸۲
دسترسی و ارتباطات	۵	۰/۷۷
اجتماع‌پذیری	۵	۰/۹۵

محدوده مورد مطالعه

محله سنگلج، بخشی از پیکره تاریخی شهر تهران در منطقه ۱۲ می‌باشد. منطقه دوازده دارای مساحت ۱۶۰۰ هکتار (۲/۲۳) از مساحت کل شهر تهران، می‌باشد. محدوده منتخب از منطقه ۱۲ تهران، محله سنگلج با مساحتی بالغ بر ۱۰۳ هکتار می‌باشد. این محله از شمال به خیابان ۱۵ خرداد، جنوب به خیابان مولوی، شرق به خیابان خیام و از غرب به خیابان وحدت اسلامی محدود می‌شود. جمعیت محله در سال ۱۳۸۵ برابر با ۲۳۹۹۴ نفر بود.

محله سنگلج، یکی از قدیمی‌ترین محلات شهر تهران است که در آن کیفیت سکونت به علت عدم استحکام بنا، نداشتن دسترسی‌های مناسب، کوچه‌های بسیار باریک و ناکارآمد و پایین بودن سرانه‌های خدماتی، بسیار کاهش یافته است. به طوری که سازمان نوسازی شهر تهران در راستای احیای بافت‌های فرسوده شهر به عنوان متولی و کارفرما، اقدام به تهیه طرح‌هایی توسط مهندسين مشاور، تحت عنوان طرح‌های منظر شهری نموده که امید بر آن است تا در راستای

نتایج مرتبط با متغیرهای تحقیق به این شرح است:

آسایش و تصویر ذهنی

شاخص آسایش از دیدگاه شهروندان محله سنگلج با ۵ گویه مورد ارزیابی قرار گرفت.

نتایج به دست آمده، نشان می‌دهد که احساس راحتی در محله با میانگین ۲/۸۴ بیش‌ترین میانگین را به خود اختصاص داد و میزان جرم در محله با میانگین ۲/۶۵، احساس آرامش هنگام قدم زدن در محله با میانگین ۲/۶۳، جذابیت محله با میانگین ۲/۵۵ و پاکیزگی محله با میانگین ۲/۲، به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. لازم به ذکر است که میانگین کل گویه‌ها ۲/۵۷ می‌باشد. پاسخ‌های مربوط به این شاخص نمایانگر آن است که میزان آسایش و تصویر ذهنی شهروندان محله سنگلج کمتر از میانگین معیار (۳)، بوده و این بیانگر پایین بودن آسایش و تصویر ذهنی نامطلوب از محله سنگلج می‌باشد. در جدول ۳، نتایج حاصل از ارزیابی آسایش در محله سنگلج به طور کامل ارائه گردیده است.

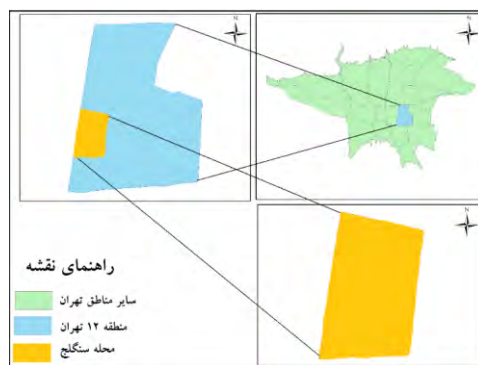
جدول ۳. آمار توصیفی شاخص آسایش و تصویر ذهنی

گویه	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	میانگین
میزان جرم در محله	۰	۱۵	۲۸	۴۷	۰	۲/۶۵
احساس راحتی در محله	۰	۲۱	۴۲	۳۷	۰	۲/۸۴
احساس آرامش هنگام قدم زدن در محله	۰	۱۴	۴۵	۵۱	۱۰	۲/۶۳
جذابیت محله	۰	۱۴	۳۵	۴۲	۸	۲/۵۵
پاکیزگی محله	۰	۰	۲۸	۶۴	۸	۲/۲۰

دسترسی به خدمات

دسترسی به خدمات دومین شاخصی است که برای ارزیابی میزان هویت مکانی در محله سنگلج در نظر گرفته شده است. در ارزیابی این شاخص دسترسی به خدمات تجاری با میانگین ۲/۵۵، خدمات آموزشی با میانگین ۲/۴۱، دسترسی به خدمات بهداشتی با میانگین ۲/۳۴، دسترسی به خدمات حمل و نقل با میانگین ۲/۲۰ و دسترسی به پارک و فضای سبز با میانگین ۲/۱۳ به ترتیب در رتبه‌های اول تا پنجم قرار گرفتند. در مجموع میانگین کل گویه‌ها ۲/۳ می‌باشد که از میانگین معیار (۳)، کمتر است. در جدول ۴، نتایج حاصل از ارزیابی دسترسی به خدمات در محله سنگلج به صورت کامل ارائه شده است.

نوسازی و احیاء این بافت‌ها، تمامی جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی و ویژگی‌های بومی بافت لحاظ شده و روند احیاء، همراه با مشارکت ساکنان محله صورت پذیرد و در این راستا، دیدگاه مداخلات صرفاً کالبدی و اقتصادی هدف قرار نگیرد.



شکل ۲. محدوده مورد مطالعه

یافته‌ها

با توجه به اطلاعات جدول ۲، ۵۶ درصد از پاسخگویان را مردان و ۴۴ درصد آن را زنان تشکیل می‌دهند. همچنین بیش‌تر پاسخ‌دهندگان در دو گروه سنی ۱۸-۳۰ و ۶۱ سال و بالاتر بوده‌اند که در مجموع ۵۸ درصد پاسخگویان را در بر می‌گیرند. در رابطه با وضعیت سکونت، ۵۰ درصد دارای مالکیت و ۴۳ درصد مستاجر بوده‌اند. در رابطه با مدت سکونت در محله سنگلج، ۳۶ درصد از ساکنان مدت سکونت خود را ۱-۵ سال را ذکر نموده‌اند.

جدول ۲. ویژگی جمعیت شناختی جامعه نمونه

تعداد	درصد		
۶۵	۵۶	جنس	مرد
۵۰	۴۴		زن
۳۳	۲۹	سن	۱۸-۳۰
۲۴	۲۰		۳۱-۴۵
۲۵	۲۲		۴۶-۶۰
۳۳	۲۹	۶۱ سال و بالاتر	
۵۷	۵۰	سکونت	ملکی
۵۰	۴۳		اجاره
۸	۷		سایر
۵۰	۴۳	مدت سکونت	۱-۵ سال
۴۱	۳۶		۵-۱۰ سال
۴	۳/۵		۱۰-۱۵ سال
۴	۳/۵		۱۵-۲۰ سال
۱۶	۱۴	۲۰ سال به بالا	

که: افتخار به زندگی کردن در محله سنگلج با میانگین ۲/۶۹، احساس غربت هنگام دوری از محله با میانگین ۲/۶۸، محله را به مانند خانه خود دانستن با میانگین ۲/۵۶، خاطره‌انگیز بودن کالبد محله با میانگین ۲/۴۸ و آرزوی داشتن محل کار در محله سنگلج با میانگین ۲/۴۷، به ترتیب در اولویت اول تا پنجم قرار دارند. لازم به ذکر است، میانگین مجموع گویه‌ها برابر با ۲/۵۷، به دست آمده است که نشانگر پایین بودن احساس تعلق شهروندان به محله سنگلج می‌باشد. جدول ۶، نتایج حاصل از ارزیابی حس تعلق مکانی در محله سنگلج به صورت تفصیلی ارائه شده است.

جدول ۶. آمار توصیفی شاخص احساس تعلق به محل سکونت

گویه	کاملاً موافقم	موافقم	تا حدودی موافقم	مخالفت می‌کنم	کاملاً مخالفم	میانگین
کالبد محله برای من خاطره‌انگیز است	۷	۱۴	۱۴	۵۰	۱۵	۲/۴۸
به زندگی در محله سنگلج افتخار می‌کنم	۷	۱۴	۲۸	۴۳	۸	۲/۶۹
هنگام دوری از محله سنگلج احساس غربت می‌کنم	۶	۱۷	۳۲	۲۹	۱۶	۲/۶۸
محله را به مانند خانه خودم می‌دانم	۷	۷	۳۵	۳۶	۱۵	۲/۵۶
کاش محل کارم در محله سنگلج بود	۰	۲۱	۲۸	۲۹	۲۳	۲/۴۷

جهت ارزیابی مطلوبیت و یا عدم مطلوبیت هویت مکانی از نظر ساکنین محله مورد مطالعه از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده گردید. نتایج این آزمون در جدول‌های ۷ و ۸، ارائه گردیده است.

جدول ۷. میانگین شاخص‌های موردبررسی

شاخص‌های تحقیق	جامعه	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین
دسترسی به خدمات	۱۱۵	۲/۳۳	۰/۵۶۳	۰/۰۵۳
آسایش	۱۱۵	۲/۵۷	۰/۴۷۷	۰/۰۴۵
اجتماع‌پذیری	۱۱۵	۲/۸۶	۰/۵۲۳	۰/۰۵۰
حس تعلق مکانی	۱۱۵	۲/۵۸	۱/۰۱۳	۰/۰۹۴

اطلاعات جدول ۷، نشان می‌دهد که میانگین شاخص اجتماع‌پذیری ۲/۸۶، میانگین شاخص حس تعلق مکانی ۲/۵۸، میانگین شاخص آسایش ۲/۵۷ و میانگین شاخص دسترسی به خدمات ۲/۳۳، است. به این معنا که محله سنگلج دارای هویت مکانی نامطلوب می‌باشد.

در جدول ۸، معناداری تفاوت میانگین شاخص‌های مورد بررسی با میانگین معیار ۳، نشان داده شده است.

جدول ۴. آمار توصیفی شاخص دسترسی به خدمات

گویه	کاملاً موافقم	موافقم	تا حدودی موافقم	مخالفت می‌کنم	کاملاً مخالفم	میانگین
دسترسی به خدمات بهداشتی	۰	۰	۴۲	۵۰	۸	۲/۳۴
دسترسی به خدمات تجاری	۰	۷	۴۹	۳۷	۸	۲/۵۵
دسترسی به خدمات آموزشی	۰	۰	۲۸	۶۵	۷	۲/۴۱
دسترسی به خدمات حمل‌ونقل عمومی	۰	۰	۲۹	۶۴	۸	۲/۲۰
دسترسی به پارک و فضای سبز	۰	۰	۳۵	۴۳	۲۲	۲/۱۳

اجتماع‌پذیری

شاخص سوم در مطالعه حاضر، اجتماع‌پذیری است. در میان گویه‌های مربوط به این شاخص، کمک به همسایگان با میانگین ۳/۵۶، کمک به ساکن جدید با میانگین ۳/۴، مشارکت با شهروندان برای حل مشکل محله با میانگین ۲/۶۳، ارتباط با همسایگان با میانگین ۲/۴۲ و تعداد دوستان در محله با میانگین ۲/۲۷، به ترتیب در رتبه‌های اول تا پنجم قرار گرفتند. لازم به ذکر است که میانگین تمام گویه‌ها ۲/۸۶ است که کم‌تر از میانگین معیار (۳)، است. همچنین میانگین گویه‌های ۱ و ۳ بیش از میانگین معیار (۳)، می‌باشد و در وضعیت مطلوبی قرار دارند. جدول ۵، نتایج حاصل از ارزیابی اجتماع‌پذیری در محله سنگلج را نشان می‌دهد.

جدول ۵. آمار توصیفی شاخص اجتماع‌پذیری

گویه	کاملاً موافقم	موافقم	تا حدودی موافقم	مخالفت می‌کنم	کاملاً مخالفم	میانگین
کمک به همسایگان هنگام نیاز	۰	۶۳	۲۹	۸	۰	۳/۵۶
میزان مشارکت با همسایگان برای حل مشکل محله	۰	۱۴	۴۳	۳۷	۸	۲/۶۳
کمک به ساکن جدید	۱۳	۳۰	۴۱	۱۶	۰	۳/۴۰
ارتباط با همسایگان	۰	۷	۳۶	۵۰	۷	۲/۴۲
تعداد دوستان در محله	۰	۰	۳۵	۵۷	۸	۲/۲۷

حس تعلق مکانی

نتایج حاصل از پاسخ به شاخص حس تعلق مکانی نشان می‌دهد

جدول ۸. تحلیل تک نمونه‌ای ارزیابی شاخص‌های تحقیق

خطای معیار میانگین با اطمینان ۹۵٪		تفاوت میانگین	معدناداری	درجه آزادی	t	میانگین	شاخص‌های تحقیق
کم‌ترین	بیش‌ترین						
-۰.۵۷	-۰.۷۸	-۰.۶۷۵	۰/۰۰۰	۱۱۴	-۱۲/۸۴۲	۲/۳۳	دسترسی به خدمات
-۰.۳۴	-۰.۵۱	-۰.۴۲۶	۰/۰۰۰	۱۱۴	-۹/۵۷۵	۲/۵۷	آسایش
-۰.۰۵	-۰.۲۴	-۰.۱۴۴	۰/۰۰۴	۱۱۴	-۲/۹۰۵	۲/۸۶	اجتماع‌پذیری
-۰.۲۴	-۰.۶۲	-۰.۴۳۰	۰/۰۰۰	۱۱۴	-۴/۵۴۹	۲/۵۸	حس تعلق مکانی

۰/۵۳۴ و ضریب همبستگی بین اجتماع‌پذیری با حس تعلق مکانی ۰/۷۳۲ به دست آمده است. به این معنا که با افزایش در سطح هر کدام از شاخص‌ها، میزان شاخص‌های دیگر نیز افزایش می‌یابد. جهت آزمون رابطه قدمت و مدت سکونت با احساس مطلوبیت هویت مکانی از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده گردید.

جدول ۱۰. آمار توصیفی میانگین هویت مکانی گروه‌های سنی

سن	۱۸-۲۰ سال	۲۱-۳۰ سال	۳۱-۴۰ سال	۴۱-۵۰ سال	۵۰ سال و بالاتر	میانگین
میانگین	۲/۳	۲/۴	۲/۶	۲/۹	۲/۵۸	۲/۳
انحراف معیار	۰/۴۲	۰/۲۲	۰/۷۲	۰/۵۵	۰/۵۶	۰/۴۲

همان گونه که در جدول ۱۰، ملاحظه می‌شود، میانگین هویت مکانی افراد ۶۰ سال به بالا بیش‌تر از بقیه گروه‌های سنی است. و هویت مکانی گروه سنی ۳۰-۱۸ سال دارای پایین‌ترین میانگین نسبت به سایر گروه‌های سنی می‌باشند. اطلاعات جدول ۱۱، سطح معناداری ۰/۰۰۰ را نشان می‌دهد. به این معنا که در هویت مکانی گروه‌های سنی مختلف، تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۱۱. نتیجه آزمون تحلیل واریانس هویت مکانی گروه‌های سنی

درجه آزادی	اماره F	معدناداری
بین گروه‌ها	۳	
درون گروه‌ها	۱۱۱	۹/۵۲۹
مجموع	۱۱۴	۰/۰۰۰

جهت تعیین اینکه بیش‌ترین تفاوت بین کدام گروه سنی با سایر گروه‌ها می‌باشد، از آزمون تعقیبی توکی استفاده گردید. با توجه به نتایج به دست آمده از این آزمون، گروه سنی ۶۰ سال به بالا بیش‌ترین تفاوت را در احساس تعلق مکانی، نسبت به گروه‌های سنی ۱۸-۳۰ سال و ۳۱-۴۵ سال دارد. همچنین بین هویت مکانی گروه سنی ۴۶-۶۰ تفاوت معناداری با هویت مکانی گروه سنی ۱۸-۳۰ سال مشاهده شد و بین هویت مکانی گروه سنی ۱۸-۳۰ سال و ۳۱-۵ سال تفاوت معناداری وجود ندارد.

همانگونه که در جدول ۸، ملاحظه می‌گردد، سطح معناداری برای تمام شاخص‌ها کم‌تر از ۰/۰۵ و میانگین شاخص‌ها کم‌تر از حد میانگین معیار به دست آمده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که میزان هویت مکانی محله سنگلج با سطح اطمینان ۰/۹۵ در حد نامطلوب قرار دارد.

جهت تعیین رابطه بین شاخص‌های اجتماع‌پذیری، آسایش، دسترسی به خدمات و حس تعلق مکانی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید.

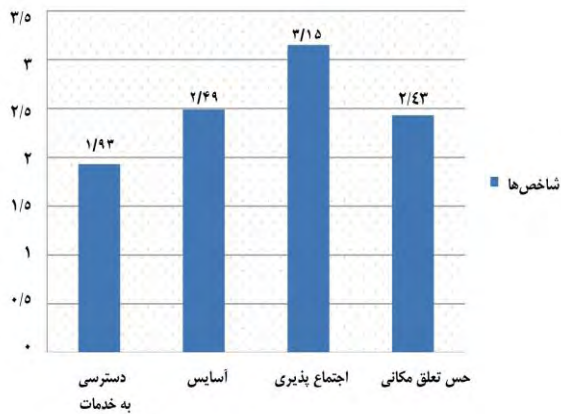
جدول ۹. نتایج آزمون همبستگی پیرسون

آسایش	دسترسی به خدمات	اجتماع‌پذیری	حس تعلق مکانی
ضریب همبستگی	۰/۴۹۷*	ضریب همبستگی	۰/۴۹۷*
سطح معناداری	۰/۰۰۰	سطح معناداری	۰/۰۰۰
حجم نمونه	۱۱۵	حجم نمونه	۱۱۵
ضریب همبستگی	۰/۵۳۴*	ضریب همبستگی	۰/۶۱۶*
سطح معناداری	۰/۰۰۰	سطح معناداری	۰/۰۰۰
حجم نمونه	۱۱۵	حجم نمونه	۱۱۵
ضریب همبستگی	۰/۶۸۶*	ضریب همبستگی	۰/۷۸۶*
سطح معناداری	۰/۰۰۰	سطح معناداری	۰/۰۰۰
حجم نمونه	۱۱۵	حجم نمونه	۱۱۵

* Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed)

همانگونه که در جدول ۹، ملاحظه می‌شود، در آزمون همبستگی پیرسون سطح معناداری ۰/۰۰۰ و ضریب همبستگی بالاتر از ۰/۶۸ برای تمام شاخص‌ها به دست آمده است. به این معنا که بین شاخص‌های آسایش، دسترسی به خدمات و اجتماع‌پذیری با حس تعلق مکانی رابطه معنادار و مثبت وجود دارد.

همچنین ضریب همبستگی بین آسایش و دسترسی به خدمات برابر ۰/۴۷۹، ضریب همبستگی بین آسایش با اجتماع‌پذیری ۰/۶۱۶، ضریب همبستگی بین دسترسی به خدمات با اجتماع‌پذیری



شکل ۳. نتایج ارزیابی عملکرد شاخص‌های تحقیق

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه برنامه‌ریزی از پایین به بالا در فرآیند مدیریت شهری اهمیت زیادی پیدا کرده و توجه همه جانبه به عواملی که منجر به توسعه این مهم می‌شوند، امری اجتناب‌ناپذیر است. از جمله نتایج این عوامل ایجاد هویت مکانی در میان شهروندان یک محله می‌باشد. هویت مکانی پایدار جهت توسعه و زنده نگه داشتن یک مکان اهمیت فراوانی دارد. این اهمیت در حدی است که یک محله بدون آن تشخیص نیافته و همواره برای شهروندان ساکن در آن بی‌نام و نشان خواهد ماند و به اصطلاح اجتماع بی‌مکان رشد خواهد کرد.

در این مطالعه هویت مکانی محله سنگلج مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. برای به انجام رساندن این تحقیق ابتدا پرسشنامه‌ای توسط محققین طراحی شد و در سطح محدوده مورد مطالعه در بین شهروندان ساکن در محله توزیع گردید. نتایج حاصل از بررسی‌ها و تحلیل پرسشنامه نشان داد که میانگین هویت مکانی در محله سنگلج پایین تر از میانگین معیار می‌باشد. از دیگر نتایج تحقیق رابطه معنادار با همبستگی مثبت بین تمام شاخص‌های مورد بررسی در مطالعه حاضر بود. یعنی افزایش در هر کدام از شاخص‌ها منجر به افزایش در شاخص‌های دیگر می‌شود. همچنین بین متغیر سن و هویت مکانی رابطه معنادار و مثبت مشاهده شد. به طوری که با بالا رفتن سن، هویت مکانی نیز افزایش یافته و افراد جوان‌تر هویت مکانی کم‌تری داشتند. در نهایت با استفاده از آزمون فریدمن رتبه‌بندی عملکرد شاخص‌های مورد بررسی، انجام شد و نتایج حاصل از آن نشان داد که شاخص اجتماع‌پذیری در محله سنگلج در رتبه نخست و دسترسی به خدمات در پایین‌ترین سطح قرار دارد.

به طور کلی نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که میزان هویت مکانی محله سنگلج در سطح نامطلوب است و شهروندان ساکن در محله سنگلج، حس تعلق مکانی ضعیفی نسبت به محل

جدول ۱۲. نتایج آزمون تعقیبی توکی

سن I	سن J	اختلاف	
		میانگین I و J	خطای انحراف معیاری
سال ۱۸-۳۰	سال ۳۱-۴۵	-۰/۰۹۵۴۵	-۰/۱۳۶۵۹
	سال ۴۶-۶۰	-۰/۳۶۱۴۵	-۰/۱۳۵۰۰
	سال ۶۰ به بالا	-۰/۶۲۱۲۱	-۰/۱۲۵۳۵
سال ۳۱-۴۵	سال ۱۸-۳۰	۰/۰۹۵۴۵	-۰/۱۳۶۵۹
	سال ۴۶-۶۰	-۰/۲۶۶۰۰	-۰/۱۴۵۵۰
	سال ۶۰ به بالا	-۰/۵۲۵۷۶	-۰/۱۳۶۵۹
سال ۴۶-۶۰	سال ۱۸-۳۰	۰/۳۶۱۴۵	-۰/۱۳۵۰۰
	سال ۳۱-۴۵	۰/۲۶۶۰۰	-۰/۱۴۵۵۰
	سال ۶۰ به بالا	-۰/۲۵۹۷۸	-۰/۱۳۵۰۰
سال ۶۰ به بالا	سال ۱۸-۳۰	۰/۶۲۱۲۱	-۰/۱۲۵۳۵
	سال ۳۱-۴۵	۰/۵۲۵۷۸	-۰/۱۳۶۵۹
	سال ۴۶-۶۰	۰/۲۵۹۷۸	-۰/۱۳۵۰۰

رتبه‌بندی عملکرد شاخص‌های مورد بررسی

جهت تعیین اینکه کدام یک از شاخص‌ها نسبت به سایر شاخص‌ها از اولویت بیش‌تری برخوردار است، از آزمون فریدمن استفاده گردید. نتایج به دست آمده از آزمون در جدول ۱۳، ارائه گردیده است.

جدول ۱۳. نتایج آزمون فریدمن

شاخص	میانگین رتبه	رتبه
دسترسی به خدمات	۱/۹۳	۴
آسایش	۲/۴۹	۲
اجتماع‌پذیری	۳/۱۵	۱
تعلق مکانی	۲/۴۳	۳
مقدار کای اسکوتر	۵۹/۸۷	
سطح معناداری	۰/۰۰۰	
درجه آزادی	۳	
تعداد	۱۱۵	

با توجه به نتایج آزمون فریدمن می‌توان بیان نمود که اجتماع‌پذیری محله سنگلج در رتبه اول، آسایش در رتبه دوم، حس تعلق مکانی در رتبه سوم و دسترسی به خدمات در رتبه چهارم قرار دارد. در شکل ۳ نتایج فوق به صورت گرافیکی نشان داده شده است.

۴. حیاتی عقیل و غلامی محمد (۱۳۹۲)، بررسی تاثیر هویت کالبدی بر انسجام اجتماعی مطالعه موردی: محله اوین شهر تهران. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال سیزدهم، (۳۰): ۱۳۱-۱۵۰.

۵. دانشپور، عبدالهادی (۱۳۷۹)، بازشناسی مفهوم هویت در فضای عمومی شهری (خیابان)، نمونه موردی: خیابان انقلاب تهران، رساله دکتری، دانشگاه تهران.

۶. رضوانی، محمدرضا؛ احمدی، علی (۱۳۸۸)، مکان و نقش فرهنگ در شکل‌گیری هویت مکانی، پژوهش‌نامه فرهنگی، سال دهم، شماره ۶: ۴۵-۶۸.

۷. زیاری، کرامت‌اله؛ پژوهان، موسی و خلیلی احمد (۱۳۹۱)، سنجش هویت شهری در شهرهای جدید ایران بر اساس اصول هویت‌بخش مکتب اصفهان، مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال پنجم، شماره ۱۸: ۱۳۹-۱۵۸.

۸. سلطانی، لیلیا؛ زنگی‌آبادی، علی و میهن، نسترن (۱۳۹۰)، برنامه‌ریزی شهری در جهت ارتقاء هویت ایرانی اسلامی زنان با تأکید بر نقش محله‌های شهری، مجله مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال اول، شماره ۴: ۲۹-۳۶.

۹. شکوئی، حسین (۱۳۷۹)، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، تهران: انتشارات گیتاشناسی، ج ۱.

۱۰. شکوئی، حسین (۱۳۸۸)، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی، تهران: انتشارات گیتاشناسی، ج ۲.

۱۱. عبادیان، محمود (۱۳۸۳)، بحران هویت، نه بی هویتی فرد، مجموعه مقالات مبانی نظری هویت و بحران هویت، گردآورنده: علی اکبر علیخانی، انتشارات پژوهش‌گده علوم انسانی و علوم اجتماعی.

۱۲. نظریلنده، نازیلا؛ حیدری، علی‌اکبر (۱۳۹۲)، عوامل تأثیرگذار در هویت کالبدی بافت تاریخی شهر شیراز، همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری.

13. Barresi, John, (2002), *From the Thought is the Thinker to the Voice is the Speaker' William James and the Dialogical Self, Theory & Psychology*, 12(2): 237-250.

14. Lewicka, Maria, (2008), *Place attachment, place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past. Journal of Environmental Psychology*, 28(3): 209-231.

15. Lukermann, Fred, (1966), *Geography as a formal intellectual discipline and the way in which it contributes to human knowledge, The Canadian Geographer/Le Géographe canadien*, 8(4): 167-172.

زندگی خود دارند.

نتیجه اساس این تحقیق اثبات این حقیقت است که تنها قدمت تاریخی و عناصر هویت‌بخش تاریخی نمی‌توانند موجب هویت مکانی پایدار یک محله و مکان خاص باشند. چنان که محله سنگلج با وجود داشتن قدمت تاریخی بسیار طولانی نتوانسته است به این مهم دست یابد. لذا بازآفرینی و باز زنده سازی این محلات با استفاده از شیوه‌های نوین برنامه‌ریزی و طراحی شهری متناسب با نیازهای جامعه و با تأکید بر مشارکت مردم ضروری است.

راهکارها

با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق راهکارهای زیر جهت بهبود هویت مکانی در محله سنگلج پیشنهاد می‌شود:

- توجه به حفظ آثار تاریخی و نشانه‌های موجود در محله که مسبب تقویت هویت محلی می‌شوند؛

- افزایش نشانه‌ها و نمادها در محله جهت کمک به مسیریابی و تشخیص یافتن بافت محله؛

- ارتقاء میزان رضایت ساکنان از محیط محله از طریق فراهم نمودن زمینه رفع نیازهای روزانه آن‌ها در محله که موجب پایداری یا بالا رفتن مدت سکونت در محله نیز می‌گردد؛

- به کارگیری الگوهای ساختمان‌سازی سنتی و ترکیب آن با نیازهای جدید و تقلید از سبک‌های گذشته؛

- ارتباط پروژه‌های معماری منفرد با محیط اطراف و متناسب با زمینه طراحی،

- طراحی ورودی‌های محله و تقویت مرکز محله؛

- توسعه معابر در بخش‌های مختلف محله در جهت پیوند با ساختار ترددی فضا؛

- تقویت نظام محله‌ای و پیوند مناسب این نظام از طریق ایجاد سلسه‌مراتب خدمات و دسترسی (با تأکید بر محورهای پیاده)؛

- توسعه فضاهای عمومی متناسب با آداب و فرهنگ بومی ساکنان.

منابع

۱. افروغ، عماد (۱۳۹۴)، *فضا و جامعه؛ فضای شهری و نابرابری اجتماعی*، تهران: نشر علم.
۲. پورا احمد، احمد (۱۳۸۹)، *قلمرو فلسفه جغرافیا*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳. جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱)، *هویت اجتماعی*، ترجمه: تورج یاراحمدی، تهران، انتشارات شیرازه.

16. Norberg, Schulz. Christian, (1980), *Genius loci: Towards a phenomenology of architecture*, Rizzoli.
17. Norton, William, (2000), *Cultural geography: Themes, concepts, analyses*, Oxford University Press.
18. Pretty, Grace; Chipuer, Heather; Bramston, Paul, (2003), *Sense of place amongst adolescents and adults in two rural Australian towns: The discriminating features of place attachment, sense of community and place dependence in relation to place identity*, Journal of Environmental Psychology, 23(3): 273-287.
19. Proshansky, Harold; Fabian, Abbe; Kaminoff, Robert, (1983), *Place-Identity: Physical world socialization of the self*, Journal of Environmental Psychology, No.3: 57-83.
20. Relph, Edward, (1993), *Modernity and The Reclamation of place*, Dwelling, seeing, and designing: Toward a phenomenological ecology, 2.
21. Williams, Daniel; Vaske, Jerry, (2003). *The measurement of place attachment: Validity and generalizability of a psychometric approach*. Forest science, 49(6),830-840.

